

سه گفتار در باب کتب اربعه، کافی و کلینی

* ترجمه: حسین متقی *

** فتح الله ذوقی **

چکیده: این متن شامل سه گفتار از دایرةالمعارف اسلام دیانت (به زبان ترکی چاپ آنکارا) است درباره کتب اربعه حدیثی امامیه، کتاب الکافی، و ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی. نویسندگان گفتارها، از زاویه نگاه خود، به این سه مطلب پرداخته و گزارش دایرةالمعارفی ارائه کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: حدیث شیعه / کتب اربعه / الکافی (کتاب) / کلینی، محمد بن یعقوب / دایرةالمعارف اسلام دیانت (کتاب) / اوزوم، الیاس / صوفو اوغلو، م. جمال / اوز، مصطفی.

اشاره

آنچه در پی می‌آید، سه گفتار از دایرةالمعارف اسلام دیانت، چاپ آنکارا ذیل سه مدخل مهم است که با حدیث شیعه امامی ارتباط می‌یابد: کتب

*. دانشجوی دکتری مطالعات شیعی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

Email: Hosseinmottaqi@gmail.com

Email: Fathollahzoughi@gmail.com

** پژوهشگر بنیاد مطالعات اسلامی در مسکو.

اربعه، کافی، کلینی که در سالهای اخیر انتشار یافته است. عاملی که ما را به درج این مقاله برانگیخت، ضرورت آشنایی جامعه فرهیخته ایرانی با دیدگاههای محققان معاصر کشور ترکیه است که کمتر در نشریات تخصصی بازتاب یافته است. این فتح باب که در سفینه انجام می شود، به لطف استاد حسین متقی کتاب شناس و نسخه شناس و پژوهشگر است که عنایت ایشان را سپاس می گویم. بدیهی است که درج این گفتارها به معنی تأیید کامل محتوای آنها نیست؛ بلکه صرفاً به عنوان دریچه ای برای آشنایی با این گروه از دیدگاههاست.

گفتار اول - کتب اربعه

چهار کتاب اساسی حدیثی شیعه امامیه^۱

نگارش: الیاس اوزوم (ILIAS USUM)

الکافی، [کلینی] کتاب من لایحضره الفقیه شیخ صدوق، تهذیب الأحکام و الاستبصار ابوجعفر طوسی، کتابهای چهارگانه ای هستند که [بخش اساسی] مجموعه احادیث شیعه را تشکیل می دهند. نخستین این کتابها در اوائل سده ۴هـ/۱۰م و باقی آنها در دوره خاندانی شیعی، به نام آل بویه، در درون دولت عباسی، تألیف شده است. این آثار در آغاز دوره سلطه سیاسی بویه ها مشهور گردید. به احتمال زیاد، از حدود سده ۶هـ/۱۲م، کتب اربعه (و یا تنها الاربعه) نام گرفته اند؛ این تعبیر، به احتمال قوی، جایگزینی برای کتب سته، اندیشیده شده است که پیشتر از سوی محدثان اهل سنت گردآوری شده بود.

احادیث کتب اربعه که سنت حضرت پیامبر ﷺ و نیز قول، فعل و تقریر دوازده امام [علیهم السلام] است، بنا به نظر علمای شیعه در سده های نخستین برگزیده و نوشته شده است. روند نگارش حدیث از دوران حضرت علی [علیه السلام] آغاز شده و در زمان

۱. Torkiye Diyanet Vakfi Islam Ansiklopedias (Ankara,2003): Vol.27, pp4_6

زین العابدین [علیه السلام] محمدباقر [علیه السلام] و به ویژه جعفر الصادق [علیه السلام] گسترش یافته است. مجموعه‌های حدیثی که بخش مهمی از آنها از سخنان امامان [علیهم السلام] تشکیل یافته، از سوی بسیاری از عالمان نگارش یافته است. تا زمان وفات یازدهمین امام، یعنی [امام] حسن العسکری [علیه السلام] ۸۷۴/هـ-۲۶۰م از چند هزار مجموعه‌های روایی شناخته شده شیعی که هر یک "اصل" نامیده می‌شد، ۴۰۰ اصل یا اصول اربعمائه، پذیرفته شده بود. برخی شمار تألیفات را بسیار بیش از آن دانسته و ۴۰۰ اصل را تنها شامل کتابهای تألیف شده توسط شاگردان جعفر الصادق [علیه السلام] قلمداد کرده‌اند. برخی نیز کتابهای دوران امامان [علیهم السلام] را که تمام روایات را در برمی‌گرفته، بیش از ۶۶۰۰ کتاب ذکر کرده‌اند؛ اما منابع، صرفاً نام گردآوران احادیث مذکور را ذکر کرده‌اند. (نک: دائرة المعارف اسلام دیانت، ج ۱۵، ص ۳۹ - ۳۸)

۱. نخستین اثر از کتب اربعه شیعه امامیه، کتاب الکافی (= الکافی فی علم الدین)، تألیف ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی (متوفی ۳۲۹هـ/۹۴۱م) است. کلینی سطح علمی اش هر چه هست، باشد، به هر حال، هرکس به خاطر روایات مأثوره از رسول اکرم [صلی الله علیه و آله] و امامان [علیهم السلام] علاقه‌مند است صاحب یک اثر ماندگار در همه علوم دینی منتسب به آنان باشد و کلینی هم با این نیت، این اثر را آماده کرده و به کتاب الکافی موسوم ساخته است. (کلینی، ج ۱، ص ۸) با این حال، برخی علمای شیعی (برای نمونه نک: خوانساری، روضات الجنات، ج ۶، ص ۱۱۶)، پس از پایان رسیدن تلاش کلینی در این موضوع، آن را [از طریق نواب] به پیش امام غائب مهدی المنتظر [علیه السلام] برده و ایشان نیز در حالی که کتاب را پسندیده فرموده که: «[الکافی کافٍ لشیعتنا = این اثر] بر شیعیان ما کافی است»، و به همین دلیل خوانده شدن این اثر با نام الکافی را آشکارتر کرده است. این اثر، از دو قسمت تشکیل یافته است که بخش نخست آن با نام الأصول من الکافی و درباره موضوعات اعتقادی، و بخش دوم نیز که با نام الفروع من الکافی خوانده می‌شود، مربوط به موضوعات فقهی است.

۲. دومین اثر از کتب اربعه شیعه امامیه، کتاب من لایحضره الفقیه، تألیف ابوجعفر محمدبن علی بن بابویه قمی مشهور به «شیخ صدوق» و «ابن بابویه» (متوفی ۳۸۱ هـ / ۹۹۱ م) است. اثری که از سوی او گزینش یافته اختصاراً با نام الفقیه نیز یاد می‌شود. بر اساس آنچه مؤلف در مقدمه آن می‌نویسد، زمانی که شیخ صدوق در بلخ (روستای ایلاق) بوده است، با شرف‌الدین ابو عبدالله مشهور به «نعمه»، از نسل پیامبر [ﷺ] ملاقات می‌کند و وی از صدوق می‌خواهد که اثری مانند کتاب من لایحضره الطیب، تألیف محمدبن زکریای رازی که خواننده را از پزشک مستغنی می‌کند، بنگارد، تا خواننده را برای دسترسی به موضوعات فقهی راهنمایی نموده و از مراجعه به فقیه مستغنی نماید.

بر این اساس، شیخ صدوق هم با تألیف کتاب من لایحضره الفقیه به آن درخواست پاسخ مثبت داده است. شیخ در نگارش این اثر از آثار حرزبن ابی عبدالله سجستانی، عبیدالله بن علی حلبی، علی بن مهزیار اهوازی و حسین بن سعید استفاده کرده و همچنین از کتاب نوادر الأحکام اثر محمدبن احمدبن یحیی، کتاب الرحمة اثر سعدبن عبدالله، الجامع اثر محمدبن حسن بن ولید، النوادر نوشته محمدبن ابی عمیر و الرسالة پدرش علی بن حسین قمی بهره برده است.

بنابر توضیحات و تعلیقات مصحح و ناشر الفقیه، حسن الخرسان، مؤلف از کتاب الصلاة سجستانی، کتابی از حلبی در مورد فقه، سی و سه اثر از اهوازی و حدود سی اثر از حسین بن سعد استفاده کرده است. تفاوت‌های مهمی در زمینه شمارگان روایتهایی وجود دارد که در مورد تاریخ نگارش آنها اطلاعی در دست نیست؛ مثلاً تعداد روایتهایی که در جمع‌بندی حسن صدر نشان داده شده ۹۰۴۴ حدیث است (نک: صدر، تلیس الشیعة، ص ۲۸۸) و این درحالی است که حسن الخرسان تعداد آنها را ۵۹۶۳ حدیث نقل می‌کند. (نک: ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، مقدمه ناشر، ج ۱، ص ۵۱). [تردیدی نیست که] این تفاوت، نتیجه درآمیختن روایتهای موجود در کتاب است با

فتاوی‌ایی که مؤلف در چارچوب احادیث داده است.

چاپ چهار جلدی کتاب من لایحضره الفقیه در ۵۶۶ باب، امروزه بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. این بابها بر اساس سلسله موضوعی ترتیب یافته است. به نظر عالمان حدیث شیعی، از زاویه اعتبار و جایگاه، الفقیه پس از الکافی در دومین رتبه قرار دارد و مؤلف آن اذعان دارد که به جهت حجم گسترده آن، سلسله سندی روایات را به صورت کامل نیاورده است؛ لذا حجیت و اعتبار بیشتر روایتهای جمع‌آوری شده در آن، مختص خود شیخ صدوق و خدای اوست.

نوشته‌های شیخ صدوق عمدتاً با به کارگیری عبارتهایی همچون: «[امام] جعفر الصادق [علیه السلام] گفته است...» و یا اینکه «امام رضا [علیه السلام] گفته است...»، آغاز می‌شود] و به این ترتیب، ابتدا نام امام معصوم را می‌برد و بعضاً پیش از نام امام، اسامی یک یا دو راوی را نیز ذکر کرده و سپس احادیث را نقل می‌کند. حدیث‌شناسان شیعی، دو نوع حدیث را معرفی نموده‌اند که نخستین آن «مُرسل» و دومین آن «مُسند» است؛ بیشتر احادیث این اثر، از نوع دوم و «مُسند» است.

گفتنی است که ناشر کتاب من لایحضره الفقیه، حسن الخراسان از مجموع ۵۹۶۳ حدیث الفقیه، ۲۰۵۰ مورد آن را «مُرسل» و باقی آنها را «مُسند» قید کرده است. باز بنا به نظر حسن الخراسان، عالمان شیعی، احادیث «مرسل» را به اندازه احادیث مُسند معتبر دانسته‌اند. برخی عالمان، با در نظر گرفتن دقت شیخ صدوق در ضبط روایات و گستردگی آگاهی وی نسبت به صحت راویان، این اثر را نسبت به سه کتاب دیگر (از کتب اربعه)، اعتبار بیشتری به آن داده‌اند.

در کتابخانه‌های گوناگون، نسخه‌های خطی پرشماری از آن گزارش شده است. (نک: بروکلیمان، تاریخ ادبیات عرب، ج ۱، ص ۲۰۰) این اثر چاپهای متعددی دارد. برخی چاپهای آن، عبارت‌اند از: لکنهو ۱۳۰۰ هـ، ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷ هـ، تبریز ۱۳۳۴ هـ، تهران ۱۳۷۴ هـ، نجف ۱۳۷۷ هـ، بیروت ۱۴۰۱ هـ / ۱۹۸۱ م، که البته مورد اخیر در چهار

جلد [به صورت تصحیحی] منتشر شده است. به جهت اعتبار، جایگاه و اهمیت خاص آن در شیعه، از زمان نگارش این اثر تاکنون، شروح، حواشی و تعلیقات بسیاری بر آن نگاشته شده است.

۳. سومین اثر از کتب اربعه شیعه امامیه، تهذیب الأحكام تألیف ابوجعفر محمدبن حسن طوسی (متوفی ۴۶۰هـ / ۱۰۶۷م) است که از او به عنوان «شیخ الطائفه» نیز یاد می‌شود. نام کامل اثر، تهذیب الأحكام فی شرح المقنعة است. بنابر آنچه در مقدمه کتاب آمده است، مؤلف کتابی به نام المقنعة (الرسالة المقنعة) را که استاد خویش، شیخ مفید [ابوعبدالله محمدبن محمدبن نعمان عکبری حارثی (متوفی ۴۱۳هـ)] تألیف کرده بود، اساس قرار داده و روایات مربوط به موضوعات آن را برگزیده و تلاش خویش را به عنوان شرح آن، طرح‌ریزی کرده است.

مؤلف، جداگانه برخی روایتهایی را که در میان کتب شیعی به چشم می‌خورد و به نظر مخالفان (سنّی‌ها) استنمار شده و سبب ترک مذهب از سوی برخی کسان شده، برای از بین بردن این تضادها در تألیف خویش عنوان می‌کند.^۱ (نک: طوسی، تهذیب الأحكام، مقدمه ناشر، ج ۱، ص ۳-۲) طوسی ابتدا مسائلی را که مرتبط با موضوعات فقهی موجود در المقنعة است به دست داده، سپس احادیث مخالف و نیز احادیث موافق با مذهب خویش را نقل کرده، در نهایت، بر اساس ملاکهای مشخصی مرجّحات را بیان داشته و کارکردن موضوعی را روش هدفمند خویش قرار داده است؛ هر چند این اثر را به ترتیب موضوعی از کتاب طهارت که نخستین قسمت آن است شروع نموده و به جهت خوف از پایان نیافتن اثر، در قسمتهای دیگر کتاب، تنها با ذکر روایتهای شیعی آن را به پایان رسانده است. (نک: همان، مقدمه ناشر، ج ۱، ص ۴۷-۴۶).

۱. عبارت گویا نیست؛ لیکن یکی از اهداف شیخ طوسی از نگارش التهذیب حلّ تعارضات و اختلافات موجود در میان اخبار بوده است. (ویراستار)

گفتنی است چاپی که امروزه به‌طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد، چاپ ۱۰ جلدی است که در سال ۱۴۰۱ هـ / ۱۹۸۱ م در بیروت منتشر شده است. مجموع ابواب تهذیب الأحكام، ۳۹۳ باب و شمارگان احادیث این اثر هم ۱۳۵۹۰ روایت است. مؤلف که احادیث را با سند کوتاهی می‌آورد، پس از اتمام آن، پیوستی به نام مشیخة تهذیب الأحكام در آن گنجانده و در آن سلسله سند راویانی را که در این اثر از آنها روایت نقل می‌کند، ثبت نموده است.

حسن الخراسان، [مصحح و] ناشر تهذیب الأحكام، با استفاده از منابع شیعی، شرحی بر این «پیوست» نگاشته است. ناگفته نماند که این پیوست و شرح آن در آخرین جلد چاپی (ج ۱۰) که از آن سخن رفت (چاپ بیروت) قرار گرفته است. از کتاب تهذیب الأحكام نسخه‌های خطی پرشماری گزارش شده است. (نک: بروکلیمان، ذیل تاریخ ادبیات عرب، ج ۱، ص ۷۰۷) این اثر دارای چاپهای متعددی است؛ از جمله: تهران، ۲ ج در ۱۳۱۷-۱۳۱۶ هـ، نجف، ۴ ج در ۱۳۷۷-۱۳۸۲ هـ و چاپ ۱۰ جلدی آن که سال ۱۴۰۱ هـ / ۱۹۸۱ م در بیروت منتشر شده است. بر این اثر و اسنادش [= مشیخة] شروح و حواشی و تعلیقات پرشماری نوشته شده است. (نک: طوسی، تهذیب الأحكام، مقدمه ناشر، ج ۱، ص ۴۷؛ آقابزرگ طهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۶، ص ۵۳-۵۱)

۴. چهارمین اثر از کتب اربعه شیعه امامیه، الاستبصار تألیف دیگر ابوجعفر محمدبن حسن طوسی است. نام کامل آن الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار است. بر پایه ویژگی کامل آن در جایگاه مختصر تهذیب الأحكام، از لحاظ ترتیبی هم وابسته به آن است. این کتاب بر اساس بخشهای موضوعی فقهی «عبادات» و «معاملات» جدا شده است. هر کتاب در شمارگان مختلف به بابهایی که روایات را در برمی‌گیرد، تقسیم شده است. بنابر شمارش مؤلف، این اثر دارای ۹۲۶ باب، مشتمل بر ۵۵۱۱ حدیث است. (نک: مشیخة الاستبصار، ج ۴، ص ۳۴۳) [در تفاوتی ناچیز، شمارگان ابواب کتاب در برخی منابع ۹۱۵ و ۹۳۰ باب؛ شمارگان و احادیث هم ۵۵۳۱ و ۵۵۵۸ ذکر



شده است.

این اثر به لحاظ تاریخ تألیف آن، آخرین کتاب از کتب اربعه، و نسبت به موضوعات مهم فقهی در شیعه از اهمیت خاصی برخوردار است. مؤلف در این اثر فقط به ردیف کردن روایتها بسنده نکرده، بلکه برای رفع اختلافها و معضلات بین آنها، سعی وافی نموده است. در پایان اثر، از آنجا که سلسله اسانید احادیث متصل نیستند، مؤلف شبیه کاری را که در اثر پیشین (تهذیب الأحکام) نموده بود، انجام داده و فصلی را در زمینه «اسناد احادیث» [با عنوان مشیخة] قرار داده است. در این بخش، وی سلسله سندی خود را تا امامان معصوم علیهم السلام بیان داشته و روایانی را خود در این اثر، از آنها نقل می‌کند، معرفی نموده است و کسانی که نامبرده شده است، سلسله روایتهاشان را به مانند مشیخة تهذیب الأحکام به حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله یا دوازده امام علیهم السلام می‌رساند. (نک: مشیخة الاستبصار، ج ۴، ص ۳۴۳-۳۰۳).

الاستبصار نیز در کتابخانه‌های گوناگون دارای دستنویسهایی است (نک: بروکلیمان، تاریخ ادبیات عرب، ج ۱، ص ۵۱۲ و همو، ذیل تاریخ ادبیات عرب، ج ۱، ص ۷۰۷). این اثر نخستین بار در لکنهو هند به چاپ رسیده است (۱۳۰۷هـ / ۱۸۸۹م) و سپس چند سال بعد در سال (۱۳۱۷هـ) در تهران منتشر گردیده است. این اثر بعدها در نجف (۱۳۷۶-۱۳۷۵هـ) و سپس در بیروت سال (۱۳۹۰هـ) انتشار یافته است. تصحیح علمی اثر، از سوی حسن الخراسان تحقق یافته و در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵هـ در تهران منتشر گردیده است. بر الاستبصار نیز شروح، حواشی و تعلیقات بسیاری نگاشته شده است. (نک: آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۶، ص ۱۷-۱۹ و ج ۱۳، ص ۸۷-۸۳)

شیعه که سنت را بعد از قرآن کریم، دومین منبع [استنباط احکام] می‌داند، بر این اساس علاوه بر علم حدیث، کتب اربعه را در موضوعاتی همچون: «تفسیر»، «فقه» و «کلام» نیز به عنوان منبع مراجعه خود در آن، قرار داده و مورد استفاده قرار می‌دهد.

کتاب الوافی اثر فیض کاشانی که از منابع مهم شیعی محسوب می شود (۳ ج، قم، ۱۴۰۳ هـ / ۱۹۸۴ م)، عبارت است از تکرار [مجموعه] احادیث کتب اربعه [در یک اثر و به مانند اوست] کتاب وسائل الشیعة (۲۰ ج، بیروت، ۱۴۱۲ هـ / ۱۹۹۱ م) که از سوی حرّ عاملی نگارش یافته است. سپس بحار الأنوار (۱۱۰ ج، بیروت، ۱۴۰۳ هـ / ۱۹۱۸ م) که به دست محمدباقر مجلسی در گستره قابل توجهی [۱۱۰ ج]، با استفاده از کتب اربعه، تألیف یافته است.

در فرهنگ شیعی، مؤلفان تفاسیر روایی یا مفسرانی که در تفسیر خود به روایات جایگاه خاصی می دهند، «آیات مرتبط با اعتقاد» را با اصول کافی، «آیات الاحکام» را با فروع کافی به همراه احادیثی که در سه کتاب دیگر از کتب اربعه، آمده است، در تفسیر خویش به کار می گیرند. متکلمان شیعی نیز به ویژه به روایتی که در اصول کافی ذکر شده، اهمیت خاصی داده اند. (به عنوان نمونه نک: فیض کاشانی، علم الیقین، قم ۱۳۸۵ هـ، ج ۱، ص ۱۹۲، ۵۴۷ و ۵۴۹؛ ج ۲، ص ۸۵۸، ۹۲۳ و ۹۹۲)

تنها عالمان منسوب به مسلک «اخباری» همه روایتهای موجود در کتب اربعه را صحیح دانسته اند. [بر اساس این نظریه، وجود] تضاد میان [برخی] روایات، دلیل بر آن نیست که این روایات از سخنان امامان معصوم [علیهم السلام] نمی باشد؛ بلکه آنان لزوم «تقیه» را علت تفاوت گفتاری پیش کشیده اند. [در مقابل این دیدگاه، مکتب «اصولی» قرار دارد که] در آثار مربوط به «اصول فقه»، در جاهای مربوط [به تفصیل] به این موضوع پرداخته و ضمن تأیید وجود برخی احادیث غیر صحیح در میان آثار روایی گزینش شده از سوی مؤلفان، [با نگرشی تنقیدی] از سوی عالمان اصولی، در مقدمه آثار خود این مسائل را روشن ساخته اند (نک: خوئی، ج ۱، ص ۳۰-۲۵)؛ علاوه بر آن، لزوم ارزیابی علمی روایات [مندرج در آثار روایی شیعی] در چهار چوب معیارهای مشخص و پذیرفته شده، شرح داده شده است.

منابع

۱. ابن بابویه. من لایحضره الفقیه. (نشر، سید حسن الموسوی الخراسانی)، بیروت: ۱۴۰۱ ق.
۲. بروکلیمان. تاریخ ادبیات عرب.
۳. ذیل تاریخ ادبیات عرب.
۴. تهرانی، آقابزرگ. الذریعة إلى تصانیف الشيعة. بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۵. خوانساری. روضات الجنات. قم: نشر، اسدالله اسماعیلیان.
۶. خوئی، ابوالقاسم. معجم رجال الحديث. بیروت، ۱۴۰۹ ق.
۷. طوسی، ابوجعفر. تهذیب الأحکام. (نشر، سید حسن الموسوی الخراسانی)، بیروت: ۱۴۰۱ هـ.
۸. مشیخة (تهذیب الأحکام: ج ۱۰، ص ۴).
۹. الاستیصار. (نشر، سید حسن الموسوی الخراسانی)، بیروت: ۱۴۰۱ ق.
۱۰. الفهرست (نشر، م. صادق آل بحر العلوم)، بیروت: ۱۴۰۳ ق.
۱۱. حرّ عاملی. وسائل الشیعة. بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. حسن الصدر. تلیس الشیعة. بیروت، ۱۴۰۱ ق.
۱۳. م. جمال صوفو اوغلو = hadis tenkidi yonunden el-kafi uzerine bir inceleme احادیث کتاب الکافی از بُعد تنقیدی، یک بررسی و تحقیق (پایان نامه استادیاری، ۱۹۸۲م)، دانشگاه آنکارا، دانشکده الهیات.
۱۴. [محسن امین عاملی]. أعیان الشیعة.
۱۵. ادهم روحی فغالی، Imamiyye Siasi = شیعة امامیه. استانبول، ۱۹۸۴ م.
۱۶. وحید اختر. Early Shi'ite Imamiyyah Thinkers = نخستین اندیشمندان شیعه امامیه. دهلی نو، ۱۹۸۸ م.
۱۷. اتان کهلبرگ. الأصول الأریعماة [در نشریه] مطالعات اورشلیم در عربی و اسلام = Jerusalem Studies in Arabic and Islam (اورشلیم = بیت المقدس)، ش ۱۰، ۱۹۸۷ م، ص ۱۶۶ - ۱۲۸.
۱۸. سید ثامر هاشم حبیب العمیدی، "تاریخ الحدیث و علومه": [در نشریه] تراثنا (قم)، س ۱۲، [۱۴۱۷ هـ]

ش ۴۷ - ۴۸، ص ۲۲۳ - ۲۳۶.

۱۹. م، یاشار کان دمیر، "حدیث"، دائرةالمعارف اسلام دیانت: ج ۱۵، ص ۳۸ - ۴۰.

۲۰. فیض کاشانی. علم الیقین. قم، ۱۳۸۵ ش.

۲۱. _____ کتاب الوافی. قم، ۱۴۰۳ ق.

۲۲. کلینی. الکافی. (نشر، علی اکبر الغفاری)، بیروت: ۱۴۰۱ ق.

۲۳. مجلسی، محمد باقر. بحارالانوار. بیروت، ۱۴۰۳ ق.

گفتار دوم - الکلینی

چهار کتاب اساسی حدیثی شیعه امامیه^۱

نگارش: مصطفی اوز (Mustafa Oz)

به احتمال زیاد در سالهای ۲۶۵هـ / ۸۷۹م در روستایی به نام «کَلین»، واقع در بین ری و قم، در خانواده‌ای اهل علم و دانش پا به عرصه گیتی نهاد. پدرش «یعقوب بن اسحاق» بود که در ری اقامت داشت و از عالمان ممتازی بود. درباره کلینی باید گفت که وی علوم مقدماتی را در موطن خود آغاز نمود. با توجه به اینکه اشخاصی که روایات امامیه را نقل می‌نماید، علمای طراز اول قم بوده‌اند، می‌توان گفت که وی مدتی طولانی در قم به تحصیل پرداخته است. با توجه به اینکه دایی وی مشهور به «علان»، از علمای برجسته ری بوده است، از او و سایر دانشمندان آن خطه استفاده برده و از آنها نقل روایت می‌کند.

دیدگاه‌ها و روایتهای عالم بزرگ نیشابور، «فضل بن شاذان» را که خود بسیار به او اعتماد دارد، از محمد بن اسماعیل نیشابوری سماع نمود. همچنانکه بیان گردید، در رأس محدثان و مشایخ کلینی، علان و نیشابوری قرار دارند که تعداد آنان به ۳۶ نفر می‌رسند؛ محدثانی مبرّز و متشخص همچون: ابوعلی احمد بن ادريس بن احمد



اشعری قمی، ابوجعفر احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی و علی بن حسین سعدآبادی قرار دارند که از امتیازات خاص دوره وی می باشد.

به احتمال زیاد، در اوائل سده ۴هـ/ ۱۰م، کلینی برای دانش افزایی، به بغداد رفته و در کرانه غربی دجله واقع در دروازه کوفه در محله درب السلسله سکونت گزید. علاوه بر آن، کلینی که با نسبت «سلسلی» نیز از او یاد می شود، مجالس علمی اش جایگاه توجه اشخاص بسیاری گردید. وی در زمان خلیفه عباسی - مقتدر بالله - ریاست علمی فرقه امامیه را به خود اختصاص داد.

کلینی شاگردان بسیاری را در زمینه حدیث و روایت پرورش داد. در بین شاگردان وی می توان به کسانی همچون: ابو عبدالله احمد بن ابراهیم مشهور به ابن ابی رافع السیمری، احمد بن احمد الکاتب کوفی، احمد بن علی بن سعید کوفی، احمد بن محمد بن علی کوفی، ابو غالب احمد بن محمد رازی، ابوالقاسم جعفر بن محمد، علی بن احمد بن موسی دقاق، ابو عیسی محمد بن احمد سنانی، اشاره نمود. (برای اطلاعات بیش تر در رابطه با مشایخ و شاگردانش نک: مقدمه حسین علی محفوظ در الأصول من الکافی، ج ۱، ص ۲۰-۱۴؛ قیس آل قیس، ج ۳، ص ۸۱-۷۸)

کلینی به جهت فعالیت های علمی اش در زمان خود، به عنوان شیخ شیعه و چهره شاخص و مورد اعتماد علمای شیعه امامیه در سده های بعد توصیف گردیده است. (نک: عاملی، اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۹۹) تاریخ وفات کلینی در منابع، سال ۳۲۸هـ / ۹۴۰م یا ۳۲۹هـ / ۹۴۱م ذکر شده است؛ البته احمد بن علی نجاشی که به زمان حیات او بسیار نزدیک است، تاریخ وفات وی را، ماه شعبان سال ۳۲۹هـ / می ۹۴۱م (طوسی، الرجال، ص ۲۹۲) ثبت نموده که به نظر می رسد به واقع نزدیک تر باشد. پیکرش سمت غربی قبرستان باب الکوفه به خاک سپرده شد. امروزه مزارش در سمت شرقی دجله، کنار پل قدیمی، مشهور به «جسر مأمون» قرار دارد و پس از قرن ها این ویژگی

را داراست که زیارتگاهی معادل قبر امامان [علیهم‌السلام] را به خود اختصاص داده است. با توجه به اینکه کلینی در مقطع زمانی غیبت صغری می‌زیسته است، پذیرفته شدن کلینی در بنیۀ امامیه به عنوان تنها منبع اخبار مأثوره از امامان [علیهم‌السلام] که بیانگر مبانی نظری و عملی شیعه است، در قبال کلام، فقه، و سایر علوم متکی به خرد، جبهۀ فکری مخالفی پدید آورده بود.

وضعیت موجود در کنار برخی دلایل دیگر به اعتقاد علمای امامیه، به طولانی نشدن غیبت دوازدهمین امام [علیهم‌السلام]، ظهور او در زمانی نزدیک و حلّ مشکلات مختلف موجود جامعه شیعی به دست او، متکی است. در چنین وضعیتی، کلینی با پیروی از یک متد اخباری - سلفی، مجموعه‌های حدیثی معروف به اصول اربعمائه را - که از امامان [علیهم‌السلام] و در رأس آنان [امام] جعفر صادق [علیهم‌السلام] نقل شده است - با دیگر روایتهای رسیده از امامان [علیهم‌السلام]، جمع کرده و مجموعه‌ی روایی بزرگی به وجود آورده است. جایگاه بخاری در مجموعه‌های روایی اهل سنت را کلینی نیز به همان اندازه در میان کتب روایی امامیه داراست.

کلینی به مکتب حدیثی قم منسوب بود که آنان مخالف هر نوع اجتهاد، استدلال و تفکر مبتنی بر خرد محسوب می‌شدند. در مقابل آنان، نوبختیان قرار داشتند که به رشد متدهای عقلی در کلام شیعی با گرایش معتزلی روی آورده بودند. کلینی به مخالفت‌های شدیدی با آنان پرداخت و برای محافظت از کیان امامیه در برابر دیگر مذاهب، طرفدار کاوش و تبیین عقلی نبوده است. از این رو، همه‌ی تلاشهای وی در چارچوب گردآوری، ضبط و محافظت از اخبار و احادیث منقول از امامان [علیهم‌السلام] خلاصه می‌شود. گرچه فهمیدن دیدگاههای عقلی و نقلی (الهیات) او از روی اخبار مضبوط در اثرش ممکن دانسته شود. وقتی نقلهای متضاد با یکدیگر مورد توجه و بررسی قرار گیرد، مشکل بودن این مسئله، در بالاترین حد آشکار می‌گردد. با اینکه بخش فروع کتاب کافی طبق ابواب فقهی تنظیم شده، در عین حال کلینی مخالفت

خود را با بخشی از اصول فقه که مبتنی بر پایه‌های عقلی است، بروز داده است. **آثارش:** مشهورترین اثر کلینی که به روزگار ما رسیده الکافی فی علم الدین (= کتاب الکافی) است؛ که طی بیست یا سی سال به انجام رسانده است. این اثر مشتمل بر سی و پنج کتاب مربوط به اصول و فروع، تشکل یافته است. این مجموعه که دارای ۱۶۰۱۹۹ حدیث می‌باشد و در حقیقت شهرت کلینی را فراهم آورده است، مهم‌ترین تلاش علمی اوست.

نسخه‌های خطی الکافی و نیز شروح، اختصارات و تعلیقات آن در کتابخانه‌های مختلف به وفور یافت می‌شود (قیس آل قیس، ج ۳، ص ۹۳-۸۵). بخش اصول آن در شیراز (۱۲۷۸هـ)، تبریز (۱۲۸۱هـ)، تهران (۱۳۱۱هـ و ۱۳۷۴هـ) و در لکنهو - هند (۱۳۰۲هـ / ۱۸۸۵م) منتشر شده است. بخش فروع کافی ابتدا در سال ۱۳۱۵هـ در تهران، در سال ۱۳۰۲هـ / ۱۸۸۵م در لکنهو به چاپ رسیده است. بخش پایانی کافی «الروضة» نیز در تهران سال ۱۳۰۳هـ و لکنهو در سال ۱۳۰۲هـ / ۱۸۸۵م نشر یافته است. تمام بخشهای سه‌گانه کافی شامل اصول، فروع و روضه با تصحیح علی اکبر غفاری در هشت جلد در سالهای ۱۳۸۷ - ۱۳۷۵، ۱۳۸۱ و ۱۳۹۸ در تهران و در سال ۱۴۰۱هـ / ۱۹۸۰م در بیروت افسست گردیده است. آثار دیگر کلینی که نام آنها در منابع ذکر شده است، عبارت‌اند از: کتاب تفسیر الرؤیا (= کتاب تعبیر الرؤیا)؛ کتاب الرجال (در موضوع رجال حدیثی شیعی)؛ کتاب الردّ علی القرامطة؛ کتاب الرسائل (= رسائل الائمة، اثری است که نامه‌های امامان [علیهم‌السلام] را دربر می‌گیرد)؛ کتاب ما قبل فی الائمة من الشعر. (برای این آثار نک: طوسی، الفهرست، ص ۱۶۵؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۹۹)

منابع

١. كليني، الاصول من الكافي (نشر، على اكبر الغفاري)، بيروت، ١٤٠١هـ، مقدّمة حسين علي محفوظ [بر الاصول من الكافي]: ج ١، ص ٤٢ - ٨
٢. النجاشي، احمد بن علي. الرجال. تهران، ص ٢٩٢.
٣. الطوسي، ابو جعفر. الفهرست (نشر م. صادق آل بحرالعلوم)، بيروت ١٤٠٣/١٩٨٣م، ص ١٦٦ - ١٦٥.
٤. [ابو جعفر الطوسي] الرجال (نشر م. صادق آل بحرالعلوم)، قم ١٤١١هـ، ص ٤٩٦ - ٤٩٥.
٥. سمعاني. الانساب. ج ١٠، ص ٤٦٣.
٦. ابن شهر آشوب. معالم العلماء (نشر م. صادق آل بحرالعلوم). بيروت: (دار الاضواء): ص ٩٩.
٧. ابن حجر. لسان الميزان. ج ٥، ص ٤٣٣.
٨. ابن عصفور البحراني. لؤلؤة البحرين (نشر، م صادق آل بحرالعلوم)، بيروت، ١٤٠٦/١٩٨٦م، ص ٣٩٤ - ٣٨٤.
٩. بروكلمان. تاريخ ادبيات عرب. (Gal)، ج ١، ص ٢٠٠ - ١٩٩ و ذيل بروكلمان: ج ١، ص ٣٢٠.
١٠. تبريزي، ريحانة الادب. تبريز، (چاپخانه شفق): ج ٣، ص ٨٧٩.
١١. تهراني، آقابزرگ. الذريعة إلى تصانيف الشيعة. بيروت ١٤٠٣/ ١٩٨٣م، ج ٣، ص ١٨٤؛ ج ٤، ص ٢٠٨؛ ج ٥، ص ١٨٤١٧٩؛ ج ٨، ص ٧٩؛ ج ١٠، ص ١٠٣، ٢١٨ و ٢٣٩؛ ج ١٣، ص ١٠٠ - ٩٦.
١٢. خوانساري. روضات الجنات (نشر اسدالله اسماعيليان)، قم، ج ٦، ص ١٢٠ - ١٠٨.
١٣. شوشتری. مجالس المؤمنين. تهران، ١٣٦٥ ش، ج ١، صص ٤٥٣-٤٥٢.
١٤. عبدالعزيز آ. ساچدينا Islamic Messianism، نيويورك ١٩٨١م: ص ٣٣ - ٣٢.
١٥. [محسن امين عاملي]. أعيان الشيعة. ج ٩، ص ٩٩.
١٦. عبدالرسول الغفار. بين الكليني و خصومه. بيروت ١٤١٥/ ١٩٩٥م.
١٧. قيس آل قيس. الايرانيون. ج ٣، ص ٩٥ - ٧٤.
١٨. و. مادلونگ، "الكليني": دائرة المعارف اسلام EI2 (انگليسي): ج ٥، ص ٣٦٣ - ٣٦٢.

گفتار سوم - [الكافی]

چهار کتاب اساسی حدیثی شیعه امامیه^۱

نگارش: م. جمال صوفو اوغلو (M. Cemal Sofuoglu)

نخستین و مهم‌ترین [کتاب] از چهار کتاب حدیثی معتبر از دیدگاه شیعه است. (نک: کتب اربعه) مؤلف در مقدمه الکافی - که نام کامل آن الکافی فی علم الدین است - دلایل نگارش اثر خویش را بیان حضرت پیامبر [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ]، به همراه کتاب خداوند (قرآن کریم)، علی بن ابی طالب [و عترت] به عنوان وصی امت خود، اطاعت از امام به عنوان وظیفه مسلمانان، فراگیری آموزه‌های دینی از امامان راستین [عَلَيْهِمُ السَّلَام] و سرانجام، تأمین زندگی مطابق و هماهنگ با اوامر خداوند و سنت‌های نبوی [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ]، برشمرده است.

کتاب کافی - که در طی ۲۰ (یا ۳۰) سال نگارش یافته - مشتمل بر حدود شانزده هزار حدیث است. این اثر در دو بخش (جلد) تنظیم گردیده؛ بخش نخست در موضوع مباحث نظری، عقائد و کلام با عنوان اصول کافی، در هشت باب با عناوین: کتاب العقل والجهل، کتاب فضل العلم، کتاب التوحید، کتاب الحجّة، کتاب الإیمان و الکفر، کتاب الدعاء، کتاب فضل القرآن و کتاب العشرة (المعاشره) تقسیم‌بندی شده است؛ و بخش دوم اثر در موضوع مباحث عملی، عبادات و معاملات با عنوان فروع کافی، در شش باب تنظیم گردیده است. واپسین قسمت فروع کافی، کتاب الروضة نامیده می‌شود که در آن نامه‌های منسوب به پیامبر [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] و امامان [عَلَيْهِمُ السَّلَام] و گفتارهای آنان و موضوعات گوناگون و متنوع آمده است. این بخش از سوی برخی کسان، سومین بخش کتاب الکافی دانسته شده است. (نک: اختر، نخستین اندیشمندان شیعه

Torkiye Diyanet Vakfi Islam Ansiklopedias (Istambul,2001): Vol. 24, p. ۱

کلینی در اثری که نگاشته، مشخص نکرده که از چه متد و شیوه‌ای پیروی کرده و دانسته نیست که قبول و ثبت احادیث کافی مبتنی بر چه شروط و معیارهایی بوده است. همچنین وی از برخی راویان، با اینکه در کتب رجال شیعه قدح شده‌اند، نقل حدیث می‌کند و بر خلاف تصریح خود مبنی بر لزوم سنجیدن صحّت روایات با قرآن کریم، و در تنافی با این نظر، این‌گونه به نظر می‌رسد که او به روایانی شیعی اعتنا می‌کند که از خود، روایت جعل می‌کنند؛ در صورتی که احادیث آنها در دیگر مجموعه‌های روایی، جایگاهی ندارد. در برخی بخشها احادیث موجود با عناوین موضوعات، تناسبی ندارد و حتی فتاوی امامان [علیهم‌السلام] را هم در ضمن احادیث [نبوی ﷺ] جا داده است. بیشتر روایتهای کتاب کافی عبارت است از سخنان جعفر صادق و دیگر امامان معصوم [علیهم‌السلام] با اینکه سلسله سند آنها به حضرت پیامبر [ﷺ] می‌رسد، در عین حال ساختگی بودن بسیاری از این روایتهای مشخص و روشن است.^۱

بر کتاب کافی شروح و حاشیه‌های بسیاری نوشته شده است. در این میان، اختصارهایی نیز انجام گرفته است. شرحهایی همچون: الرواشح السماویة فی شرح أحادیث الإمامیة (تهران ۱۳۱۱ و ۱۳۱۵ هـ بمبئی ۱۳۱۲ هـ) از محمدباقر [میر] داماد حسینی؛ شرح أصول الکافی (تهران ۱۳۶۶ ش) از صدرالدین شیرازی؛ الوافی (مجلدات ۱-۲، تهران ۱۳۱۴-۱۳۱۰ هـ و مجلدات ۱-۳، ۱۳۲۴-۱۳۲۲ هـ قم ۱۴۰۳ هـ/ ۱۹۸۴ م) از فیض کاشانی؛ الشافی فی شرح اصول الکافی (۱-۲، نجف) از عبدالحسین مظفر؛ شرح الکافی (۱۲۶۶ و ۱۲۸۱ هـ) از ابوالفضل محمدبن صالح المازندرانی؛ الشافی [فی شرح الکافی] (لکنه ۱۳۰۱-۱۳۰۳) به عربی و الصافی [فی شرح الکافی] به فارسی (هر دو شرح با هم، ۱۳۰۸ هـ) از خلیل بن غازی القزوینی؛ مرآة العقول فی

۱. در مورد این مطالب، رجوع شود به: سفینه، شماره‌های ۲، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و آثار کنگره بزرگداشت ثقة الاسلام کلینی. (ویراستار)



شرح أخبار آل الرسول (تهران ۱۳۲۱هـ) از محمدباقر المجلسی و الدر المنظوم من كلام المعصوم (نک: قیس آل قیس، ج ۳، ص ۹۰ - ۸۹) از علی بن محمد بن حسن بن زین الدین الشہید العاملی را از میان آنها می توان ذکر کرد (برای دیگر شروح، حاشیه ها و اختصارات و برگزیده ها نک: سزگین، تاریخ نگارهای عربی، < Gas > ج ۱، ص ۵۴۰ - ۵۴۲؛ قیس آل قیس، ج ۳، ص ۸۶ - ۹۳).

الکافی همراه با ترجمه فارسی نیز نشر یافته است. (تبریز ۱۲۸۱، ۱۳۰۷، ۱۳۱۱، ۱۳۷۷ و ۱۳۹۲هـ لکنه و ۱۳۰۲هـ) این اثر هم چنین با تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و سید محمد حسن الرضوی منتشر شده است. (مجلدات ۱ - ۸، تهران ۱۳۷۸ - ۱۳۷۵هـ - ۱۳۸۱هـ / ۱۹۶۱م، ۱۳۹۸هـ / ۱۹۷۸م، ۱۴۰۱هـ / ۱۹۸۰م، ۱۳۶۲ ش / ۱۹۸۴م) علی رضا برازش با تلاش خود به نام المعجم المفهرس لألفاظ الأصول من الکافی نمایه اثر را حاضر کرده است. (۱۴۰۸هـ / ۱۹۸۸م) سید ثامر هاشم حبیب العمیدی در کتاب خود با نام دفاع عن الکافی (قم ۱۴۱۵هـ) نقدهایی را که متوجه الکافی بود، در آن پاسخ داده است. دیگر اینکه هاشم معروف الحسنی اثری با نام دراسات فی الکافی للکلبینی و الصحیح للبخاری نگاشته است. (نک: کتاب شناسی) م. جمال صوفو اوغلو نیز روی احادیث کتاب الکافی از بُعد تنقیدی، یک بررسی و تحقیق به عنوان پایان نامه استادیاری، نگاشته است. (۱۹۸۲م، دانشگاه آنکارا، دانشکده الهیات)

منابع

۱. کلینی. الکافی. (نشر، علی اکبر الغفاری)، بیروت ۱۴۰۱هـ؛ و نیز بنگرید: مقدمه حسین علی محفوظ: ج ۱، ص ۴۲-۸.
۲. ابن بابویه. رساله الاعتقادات الامامیه = مبانی اعتقادی شیعه امامیه، (ترجمه ادهم روحی فغلالی)، آنکارا ۱۹۷۸م، ص ۱۰۰، ۱۱۰-۱۰۹.
۳. تهرانی، آقابزرگ. الذریعة إلى تصانیف الشيعة. بیروت، ۱۳۹۸هـ، ج ۶، ص ۱۷۹-۱۸۴.
۴. سزگین، تاریخ نگارشهای عربی (Gas)، ج ۱، ص ۵۴۲-۵۴۰.
۵. طبرسی، ابومنصور. الاحتجاج. نجف، ۱۹۶۶م، ج ۱، ص ۱۹۶ و ج ۲، ص ۱۱۰.
۶. هاشم معروف الحسینی. دراسات في الكافي للكليني والصحيح للبخاري. بیروت، ۱۳۸۸/۱۹۶۸م، ص ۱۳۱-۱۲۳، ۱۹۴-۱۸۴، ۲۰۴-۲۰۲، ۲۱۷-۲۱۳ و نیز بنگرید به راهنما (انديکس).
۷. م. ابوزهره. الامام الصادق. قاهره، دارالفکر العربی، ص ۴۳۸-۴۲۹.
۸. م. جمال صوفو اوغلو. Si'nin hadis anlayisi = فهم حديث شیعه، (پایان نامه دکتری، ۱۹۷۷م)، دانشگاه آنکارا، دانشکده الهیات، ص ۱۲۹.
۹. _____ Hadis Tenkidi Yonuuden el_Kafi Uerine Bir Inceleme = احادیث کتاب الکافی از بُعد تنقیدی: یک بررسی و تحقیق (پایان نامه استادیاری، ۱۹۸۲م)، دانشگاه آنکارا، دانشکده الهیات، ص ۳۸-۳۶، ۶۳-۵۶، ۹۷-۹۳ و ۹۹.
۱۰. قیس آل قیس. الاپرتیون. ج ۳، ص ۹۳-۸۲.
۱۱. سن. وحید اختر. Early Shiite Imamiyyah Thinkers = نخستین اندیشمندان شیعه امامیه، دهلی نو، ۱۹۸۸م، ص ۲۰-۹.

